



بقیه از شماره ۳۱

ترجمه سید قاسم خان

افغانستان ۱۳ قرن پیش

امروز بر علاوه تفصیلاتی که درین خصوص، هونتسین میدهد، معلومات مستند تر زبادی که در نوع خود، تاکنون نظیر آن موجود نبود، راجع به علاقه گندها رای قدیم بدست آمده است با بعبارت دیگر مشرب صنعت گریکو بودیک که درین شهر به عمر آمده، چنان احساساتی درما تولید نموده که زائر چینی قطعاً از آن غافل بوده است. تزئینات ستوبه، نقوش برجسته گچی که هیئت عتیقه شناسی فرانسوی بریاست موسیو بارتو جدیداً به هشت کیلومتری جنوب نگارها را روی خرابه های حده (هیلوی دوتسین) کشف کرده و امروز در موزه خانۀ کیمه (پاریس) وجود دارد، در نظر ما تنها بمنزله آثار مذهبی نمیباشد، بلکه آثار منور، ظهور ناگهانی و بسیار مؤثر و تقریباً ناباور کردنی یک صنعت نوی که صنعت گریکو بودیک مکشوفه، تا حال فکر آنرا هم ارائه نداده بود، بشمار میرود (۱) بمقابل بودا های روی Apollinien که زیبایی

[۱] در اینجا اجازه می خواهم تا دقت و احاطه نظر موسیو فوشه را که اراضی باجمری را برای مطالعات آینده نشانی نموده است، تقدیم نمایم. (ملاحظه شود : مقاله تاریخی سال ۱۹۲۴ . علاوه برین فهرست کتب حفاریات حده در آثار ذیل شامل است : ۱ - رساله نهایش کشفیات جدید و حفاریات تازه افغانستان و چین بقلم موسیو گودار - موزه خانۀ کیمه ۱۴ مارس ۱۹۲۴ - صفحه ۱ - ۲۶ .
 ۲ - کتاب حفاری هیئت عتیقه شناس فرانسوی در حده (افغانستان) مولفه موسیو هاکن .
 ۳ - مجله صنایع آسیائی [جلد دوم] مأموریت فوشه، گودار، بارتو ۱۹۲۳ - ۱۹۲۸ و مخصوصاً کتب آینده موسیو بارتو (وانوست) .

آن تا يك درجه بی‌مزه میباشد . و در منطقه گندهارا به صدها عدد پیداشده ، مجسمه های هده همچنانکه فعلاً در موزه خانه گپه وجود دارد ، نمونه بسیار مخصوص و مشخص را نمایش میدهد ، در نمایش نظامیان مارا (نشول دپوی که برودا حمله نموده بود) يك سلسله مردمان هم نژاد باسلیقه قشنگی تصویر گردیده است . هیچ جای شك نیست که درین جا با تصاویر حقیقی که رؤسا یا وحشی های همجوار منطقه گندهاری را نمایش داده باشد ، سروکار نداریم مثل آن صورتها ئیکه اسلاف هتسین و خود او آنها را شناخته اند : سر فارسی ها با کلاه پاپاق بسیار شبیه به خاتم کاری های آر. بیل (۱) تصاویر سیت های هند اروپائی در حالت سخن زدن که با بروت های آویزان بشکل گولواها و بدون شك از همراهان قدیمی کاد فیزس و کانیسکا میباشد (۲) و گاهگاهی در میان آثار مؤخر که به قرن ۵ تعلق گرفته میتواند ، چنان جزئیات بملاحظه میرسد که از روی آن انسان یقین میکند که سرمشقی ، شکل کدام تفریحار هفتالیت بوده است از قبیل پلان درازشبان بادیه نشین ، مارای ۳۵ سانتیمتری قشنگ به چابدا گای « حرکت بزرگ » ، تصاویر مثل های بینی با گونه های برجسته .

تأثیر مهمی که این نمایش القاء میکند ، اینست که انسان در مقابل مظاهر مزبور خود را با آثار گوتیک (۳) مواجه حس مینماید . مثلاً سررا هیانان ریش دار و با وقار ، تقریباً مجسمه معروف (بودیو دامین) شهر آمی بن و سر های بربرها ، مقدسین را که بزیر درب جنوب غربی شهر رانس نقش گردیده بخاطر میدهد ، سر های عا کور (مارا) که با تناسب متینی ساخته شده ، به نسبت صنعت یونانی ، بیشتر به عقاریت بدشکل جلاد های جهنمی قرن ۱۳ شباهت میرساند ، سر های عقاریت ریش دار صورت سلطان داوید را بیاد میدهد ، بعضی مجسمه های کوچک باریک و خوش ساخت سر های برهنه رهبانان ، دیگر هیاکل متبسم شهر رانس (فرانسه) را بنظر مجسمه میسازد يك صورت بزرگ دیگری که در يك چین لباسش گلهای قشنگ نصب شده تا آن ها را بر پای بودا نثار کند ، عیناً به یکی از فرشته گانی که در تزئینات شهر رانس نمایش یافته و بدون هیچ اختلافی به صنعت گریکو دومن (یونانی و رومی) تعلق دارد ، مانند است . چند فرشته دیگر که از هر نوع

(۱) اریبل در آسیای صغیر همان جائیکه اسکندر داربوش را شکست داد . مترجم .

(۲) زیرا فراموش نباید کرد که بقرار نظریه موسیو هاکن اکثریت این مجسمه های گچی بقرن ۲ و ۲

یعنی درست به زمانه کوشانی ها تعلق دارد . (مؤلف) .

(۳) سبک معماری معروفی که در قرن ۱۲ مسیحی در اروپای غربی بوجود آمده است . (مترجم) .



ع، ح فضل احمد خان مجددی وزیر عدلیه

احساسات لادینی عاری است . با چنان ساده گمی و معصومیت مذهبی وقت آور دست ها را بهم وصل کرده که اگر موضع کشف آنها سند قطعی شمرده نشود، بطور یقین آنها را متعلق به اروپا گمان میکنند در يك حصه دیگر همین موضع که سرهای شکفت انگیز جوان و بی موباکلاه لبه دار و ساختمان خیلی محکم ، با وضعیت متین استادی و ظرافت کار ، وجود دارد ، از نقطه نظر قدامت هیچ اهمیتی را حائز نیست ولی خاصه قرون وسطی بشمار میرود : مثل غلامها یا رهبانان که مشابه به مشرب پور گونی (۱) میباشند و با صورت های جنسی

که مشرب نور مبرک (المان) را بخاطر میدهد .

همین شباهت ها و نسبت ها در حقیقت بهترین کشفی بشمار میرود . زیرا در همان موقعیکه صنعت گریکو بود يك را مثل صنعت رومی همصن آن ، بکلی ضعیف و به کار های ساده منحصر شده گمان میکردند ، این صنعت مخلوط در کار تازه شدن بوده است . یا بعبارت دیگر ، درین حصص محفوظ اطفال سلطان علیهم الفکر انسانی برای انجام دادن این معجزه خود ، آنرا انتخاب کرده بود ، مشرب گندهاری بمقابل صنعتی که از کارگاه های خودش خارج شده اما در جزئیات خود بکلی مخصوص می باشد ، مفلوب گردیده است . امتیاز و خصوصیت این صنعت هم از نمونه های اولی ، مثل صنعت رومی و گوتیک فرانسه که يك روز از صنعت گریکو رومن غربی ، علیحده خواهد شد ، واضح و مشخص است زیرا اثرات طبیعی و خواص آنها در حقیقت باهم خیلی شباهت دارد . گریکو رومن کابل و پنجاب که برادر صنعت (رومانوسبری بن) « رومی و شای » (پالمیری بن) « آسیای صغیر » همان عصر است ،

(۱) يك علاقه فرانسه - مترجم .

درین وقت معلوم شده که يك قسم صنعت گوتیکو بودیک (گوتیک و بودائی) روی اساسات جدیدی ، بصورت آثار تازه جا نشین آن گردیده بود .

و این صنعت تمامی چیز هائیرا که برای پروای لازم است در برداشت : - از حال وقت اول به آب و هوای مملکت مطابق گردیده بود چنانچه مجسمه های نژادی حصص مذکور ، که خواص اصلیت را پیدا کرده ، این نظریه را ثابت میگرداند ، زیرا ازین قسم خواص ، در سوریای شرقی ، بلبری نین ، پارت و ساسانی قطعاً وجود ندارد . اگر شرایط مذهبی و سیاسی که آن را بوجود آورده بود یا به دار میباند و اگر ولایات قدیم گریکو بودیک کاپسا ، لپاکا ، گند ها را به تصرف اسلام نمیرفت ، یقین میتوان کرد که این انحراف تکامل صنعتی دوام مینمود . و شاید در همین صنعت مخصوص ، ذهن انسانی پس از انحرافات زیاد بعوض تبدیل صنعت گریکورومن ، سبک گوتیک ، پخته گی حاصل نموده ، ۹ قرن پیشتر این فورمول اخیر را عملی ساخت .

اما آیا در همان زمانیکه تقاشان و صنعت گران ما شروع به ترقی نموده بودند مجار ها و اعراب را که نزدیک شهر رانس و شارد تر در سرگول (فرانسه) باهم منازعه داشتند مد نظر گرفته ایم ؟ . . . همین قسم واقعه برای صنعت گوتیک نما یا گوتیک شونده کاپسا و لپاکا نیز اتفاق افتاد : از سنه ۳۷۵ مسیحی دره کابل بواسطه مجار های هفتالیست که به نسبت تمامی بربرهای بیشتر صورت پرست بودند ، استیلا گردید ؛ و بعد در دوره که از وسط قرن ۶ تا وسط قرن ۷ امتداد دارد ، به تصرف اعراب درآمد . در سال ۶۵۲ تا ۶۶۴ دسته جات آنها تمام مملکت را استیلا نمودند .

مقدسین بت شکن شان تقریباً مثل بت شکن های مجار ، مجسمه ها و تصاویر مذهبی را محو نموده و بالتبجیه ، این صنعت قشنگ و قیمت دار نو پیدا ، خاموش گردید . . . به این قسم تقریباً قبل از آمدن هونتسین ، خرابی های مجار ها هوید اگر دیده بود . و اگرچه لپاکا و نگار ها را هنوز عمیقاً بودائی و پیر و طریقه ماها یا نیست بودند ، معهدا بواسطه دست اندازی های مجار های هفتالیست معابد و آثار صنعتی بکلی خراب و ویران گردیده بود . هونتسین می نویسد : « اهالی این علاقه جات مذهب بودا را خیلی احترام مینمایند و خیلی کم از آنها ، به براهمانی عقیده دارند معهدا با آنکه معابد زیاد است ، روحانیون بسیار کم دیده میشود . ستوپه ها ویران و از گیا های هرزه پوشیده میباشد ، استیلای عرب که ۲۰ سال بعد واقع شد ، فقط کار نا تمام مجار ها را به تکمیل رسانید . (نا تمام)